بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 3 بهمن 1394.

03/ 11/ 94 نسبت روایت جمیل با بقیه روایت

نسبت روایت جمیل با بقیه روایت

در جلسه گذشته روایت جمیل از لحاظ سندی بررسی شد. در این جلسه به بررسی دلالت این روایت پرداخته می شود. متن روایت چنین بود « لا یکون الرد علی زوج و لا زوجه». ظاهر بدوی این روایت آن است که به زوج و زوجه ردی صورت نمی گیرد. این در حالیستکه روایات زیادی داشتیم که در فرض انحصار وارث به زوج، حکم به رد مال به زوج می کرد. حال بحث آن است که آیا روایت جمیل با این روایات تعارض دارد یا نه؟ و در فرض تعارض چگونه باید بین این روایات جمع کرد.

در کلمات علما دو تفسیر در مورد این روایت وارد شده است که خیلی واضح نیست که آیا مراد علما از این دو تفسیر، بیان ظهور ذاتی روایت است، یا اینکه در مقام جمع بین روایات این دو تفسیر را بیان کرده اند. دو تفسیر موجود: یکی تفسیری است که در کلام مجلسی ثانی وارد شده است. و دیگری تفسیری که در کلام مرحوم شیخ طوسی وارد شده است.

تفسیر مرحوم مجلسی از روایت جمیل

مرحوم مجلسی در ملاذ الاخیار[[1]](#footnote-1) فرموده اند که روایت ناظر به صورت های متعارف است یعنی صورتی که همراه با زوج وارث دیگری هم وجود داشته باشد.

تفسیر مرحوم شیخ از روایت جمیل

مرحوم شیخ طوسی در تهذیبین[[2]](#footnote-2) تفسیر دیگری از روایت ارائه داده اند. عبارت ایشان چنین است: فَلَا یُنَافِی الْأَخْبَارَ الْأَوَّلَةَ لِأَنَّا لَا نُعْطِی الزَّوْجَ الْمَالَ کُلَّهُ بِالرَّدِّ بَلْ نُعْطِیهِ النِّصْفَ بِالتَّسْمِیَةِ وَ الْبَاقِیَ بِإِجْمَاعِ الطَّائِفَةِ الْمُحِقَّةِ وَ لَا نُعْطِیهِ بِرَدٍّ یَقْتَضِیهِ ظَاهِرُ الْقُرْآنِ کَمَا یَقْتَضِی فِی کَثِیرٍ مِنْ ذَوِی الْأَرْحَامِ‌.

ایشان روایت را اینگونه تفسیر می کنند که مراد از ردّی که در این روایت نفی شده، ردّی است که از آیه شریفه (و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله) استفاده می شود. ایشان می فرمایند معنای روایت آن است که رد به مناط رحمیت در مورد غیر از زوجین است. و ظاهر کلام ایشان آن است که رد را به معنای خاصی فهمیده اند و اطلاق رد در همه فروض حتی فرض انحصار زوج در ارث بردن که صورت نادری است را، خارج از معنای رد گرفته اند. لذا اینکه روایات دیگری ردی برای زوج اثبات کند با این روایت منافاتی ندارد.

در توضیح کلام شیخ باید گفت که آیات ارث دو دسته هستند یک دسته مثل آیه فوق بیان می کنند که مناط ارث رحم بودن است و دسته دوم آیاتی که برای افرادی خاص، سهامی مشخص تعیین کرده است مثل زوجین، والدین و غیره. اگر در جائی مصداق تسمیه وجود داشته باشد ملاک تسمیه است اما در جائی که

مصداقی برای تسمیه نیست، آیه اولوا الارحام ملاک است و روایت بیان می کند که آیه مختص خویشاوندان نسبی است و خویشاوندان سببی را شامل نمی شود.

اشکال به تفسیر شیخ

اشکالی که به تفسیر شیخ وارد می شود آن است که اینکه این روایت فقط ناظر به آیه شریفه باشد و ناظر به رد به زوج از جهات دیگر نباشد، خلاف ظاهر و غیر عرفی است. از آن جهت که روایات دیگر ارث را برای زوج ثابت می داند. بنابراین ثمره ای عملی بر این روایت بار نمی شود در حالیکه نوع روایات برای تعیین تکلیف عملی مردم است و صرف یک مطلب علمی که هیچ ثمره ای ندارد، نمی تواند توجیه صحیحی از یک روایت باشد.

پاسخ از اشکال به شیخ

برای رفع این اشکال باید نکته ای را ضمیمه کرد و آن اینکه گفته شود: روایت فقط ناظر به افراد متعارف است یعنی مواردی که همراه با زوجین وارث دیگری وجود دارد و ردی که از جهت رحمیت است شامل این فرض متعارف نمی شود، و در حقیقت در مقام تفسیر آیه به صورت های متعارف مسأله است. و در اینصورت عدم رد زائد بر سهم، ثمره عملی این روایت می شود.

تفسیر محقق اردبیلی از روایت جمیل

مرحوم محقق اردبیلی[[3]](#footnote-3) بحث را در دو مرحله دنبال کرده اند. مرحله اول آنکه دلالت روایت ذاتا تام نیست و مرحله دوم آنکه اگر هم دلالتش تام باشد قابل تأویل است[[4]](#footnote-4). اما مرحله اول را به این بیان می فرمایند که روایت ناظر به افراد متعارف، یعنی صورت وجود وارث دیگری همراه زوج است. و در تأیید این ظهور می فرمایند که کلمه (الرد) در روایت همراه ال است و به صورت منوّن نیامده است. در تفسیر مراد ایشان از این تأیید، چند تقریب به ذهن می آید. تقریب اول: اگر روایت در مقام بیان عمومیت حکم بود از قالب نکره در سیاق نفی استفاده می کرد. و عدول از این تعبیر به تعبیر موجود اشاره به این دارد که حکم در تمامی افراد نیست. تقریب دوم: الف و لام موجود در الرد ممکن است الف ولام عهد باشد که اشاره به نوع خاصی از رد معهود باشد و آن رد معهود، همان رد در صورت های متعارف است. تقریب سوم: تعبیر الرد می تواند اشاره به این باشد که درمورد رد مسلم و مقطوع است. یعنی این ردی که مسلم است، به غیر زوجین اختصاص دارد. و این ردِ معهود همان رد در صورت های متعارف است. در حقیقت الف و لام اشاره به واقعیت خارجی موجود دارد.

تفسیر فاضل هندی از روایت جمیل

مرحوم فاضل هندی در کشف اللثام دو احتمال در مورد این روایت ذکر می کند. عبارت ایشان چنین است: و احتمال الخبر أنّه لا ردّ علیهما إذا وجد وارث غیرهما بل یخصّ[[5]](#footnote-5) بالردّ، و أنّه لا ردّ علیهما للرحم، فهو المتبادر من الردّ، و هو لا ینافی أن یحوز المال کلّه[[6]](#footnote-6)

احتمال اول در کلام ایشان این است که ردّ در جائی که وارثی غیر از زوجین وجود دارد، مختص به غیر زوجین است. در حقیقت در این احتمال، اصل رد مفروض گرفته شده است. و این رد مفروض همان صورت متعارف است که وارثی همراه زوجین وجود دارد. و کلام ایشان به نظر می رسد که همان تقریب سومِ ما از کلام محقق اردبیلی باشد.

احتمال دوم در کلام ایشان این است که رد در این روایت منصرف به رد به جهت رحمیت است. بنابراین معنای روایت این می شود که ردی که به جهت رحمیت است به غیر زوجین اختصاص دارد و این مطلب با اینکه بگوئیم زوج تمام مال را (به جهتی غیر از رد رحمی) در بعضی فروض مالک می شود منافاتی ندارد. و انصرافِ در کلام ایشان را به دو وجه می توان بیان کرد. بیان اول آنکه بگوئیم با توجه به آیه شریفه (اولوالارحام بعضهم اولی ببعض) که مرجعیتش در بحث ارث ثابت است، رد، انصراف به جهت رحمیت پیدا کرده است. بیان دوم آنکه الف و لام در کلمه الرد اشاره به آیه شریفه دارد یعنی ردی که مدلول علیه بالقرآن. و این بیان، همان کلام مرحوم شیخ در استبصار است.

کلام صاحب الانوار اللوامع

مرحوم شیخ حسین بحرانی آل عصفور در کتاب الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع[[7]](#footnote-7) حمل دیگری برای روایت ذکر کرده اند. عبارت ایشان چنین است: (و حمل تارة علی التقیّة لموافقته لمذهب العامّة حیث لا یورثونه إلّا نصیبه فی الکتاب و لا ترد عندهم علی أحد) ایشان حمل بر تقیه را نقل می کنند و تعلیل می کنند بر اینکه عدم الارث موافق با بعض عامه است. اما به نظر می رسد کلام ایشان خالی از بعد نیست.[[8]](#footnote-8)

بعد ایشان می فرمایند: (و یجوز حمله علی ما إذا کان مع أحدهما وارث من القرابة یرد علیه و قد جاء فی تلک الأخبار ذلک التقیید حیث قال فی کثیر منها «یعنی إذا لم یکن معه غیره»)کأنه ایشان می خواهند حمل مطلق بر مقید کنند و بگویند که این روایت مطلق است، اما به واسطه روایت دیگر که مخصوص به وجود وارث غیر از زوجین است، این روایت جمیل، حمل بر صورت وجود وارث غیر از زوجین می شود.

نتیجه گیری استاد از روایت جمیل

از مجموع کلمات آقایان و قرائن مذکور می توان اینطور نتیجه گرفت که تعمیم این روایت به تمام موارد، حتی فرض انحصار زوجین در ارث بردن مشکل است[[9]](#footnote-9). ینابراین قدر متیقن از این روایات همین صورت های

متعارف است که همراه زوجین وارث دیگری هم وجود دارد. و بر فرض ظهور روایت، دو تفسیری که گفته شد (به اضافه ضمیمه ما در مورد تفسیر شیخ) به نظر تفاسیر بعیدی نیستند. و بر فرض ظهور اولی روایت، این دو حمل قابل قبول است.

روایت ابو عمرو العبدی

در تأیید تفاسیر مذکور از روایت جمیل می توان به روایتی تمسک کرد[[10]](#footnote-10). مرحوم شیخ طوسی در تهذیب روایتی از فضل بن شاذان نقل کرده اند که در آن از حکم سهام صحبت شده است. در ضمن این روایت در مورد سهم زوجین چنین آمده است: وَ لَا یُزَادُ الزَّوْجُ عَلَی النِّصْفِ وَ لَا یُنْقَصُ مِنَ الرُّبُعِ وَ لَا تُزَادُ الْمَرْأَةُ عَلَی الرُّبُعِ وَ لَا تُنْقَصُ مِنَ الثُّمُنِ[[11]](#footnote-11)

سهم زوج نه از نصف بیشتر و نه از ربع کمتر می شود. و سهم زوجه نه از ربع بیشتر و نه از ثمن کمتر می شود. همانطور که این عدم زیاده و نقصان در روایت عبدی، ناظر به صورت های متعارف است که همراه زوجین وارث دیگری وجود دارد، روایت جمیل هم ناظر به این صورت است.[[12]](#footnote-12)

در جلسه آینده صورت عدم وجود جمع عرفی بین روایات مورد بررسی قرار می گیرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد(ص)

1. ملاذ الأخیار ج 15 ص 273 [↑](#footnote-ref-1)
2. .الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج 4 ص 149. تفسیر شیخ بعد از فحص در تهذیب یافت نشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ج11ص430 [↑](#footnote-ref-3)
4. استاد معظم در رابطه با این احتمال مطلبی ذکر نکردند. [↑](#footnote-ref-4)
5. استاد معظم ضمیر مستتر در فعل یخص را به (وارث غیرهما) بازگرداندند. [↑](#footnote-ref-5)
6. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج، ص: 462 [↑](#footnote-ref-6)
7. الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع ج 14 ص 322 [↑](#footnote-ref-7)
8. ایشان از این اشکال، در جلسه 19/11/94 عدول کردند و به همین دلیل و به دلیل ابهام تعلیل مذکور در کلام ایشان، از ذکر آن صرف نظر کردیم. [↑](#footnote-ref-8)
9. استاد معظم در جلسه آینده اطلاق روایت جمیل را انکار کردند. [↑](#footnote-ref-9)
10. کلام استاد معظم در مورد استناد به این روایت ابهام داشت البته به نظر می رسید استاد معظم این روایت را به عنوان تأیید اینکه روایت جمیل ذاتا اطلاق ندارد استفاده کردند. و یا اینکه تأیید برای حمل روایت جمیل به متعارف است. [↑](#footnote-ref-10)
11. تهذيب الأحكام؛ ج، ص: 250 [↑](#footnote-ref-11)
12. استاد معظم در جلسه آینده در مورد این روایت توضیح بیشتری می دهند. [↑](#footnote-ref-12)